

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)

سال سوم، شماره (۱۱)، پاییز ۱۳۹۳، صص ۸۹-۱۱۱

مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش)

زاهد غفاری هاشجین*

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد

قدسی علیزاده سیلاب

دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

چکیده

هدف این مقاله شناخت مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری با تأکید بر گروه داعش است. بر اساس یافته‌های پژوهش، سلفی‌ها گروهی از مسلمانان تندرو از اهل سنت هستند که عقاید و باورهای انحرافی از اسلام دارند. در این میان، جریانی خشونت‌طلب و رادیکال به نام داعش، در مدتی کوتاه توانسته است به بخش‌هایی از سوریه و عراق تسلط یافته، در کانون تحولات سیاسی بین‌المللی قرار گیرد. رهبر آن‌ها خود را خلیفه مسلمانان خوانده و از دیگر مسلمانان خواسته شده است که از آن‌ها پیروی کنند؛ بنابراین، برای شناخت بهتر این جریان و اتخاذ تدابیر و راهبردهای مناسب برای مقابله، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری به ویژه گروه داعش کدامند؟» برای پاسخ به این پرسش از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش‌های کیفی است، استفاده شده است. با این روش، اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات و غیره بررسی شده است. پژوهش حاضر ابتدا به بررسی مفاهیم فرهنگ سیاسی و جریان سلفی تکفیری، نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری و انواع جریان‌های سلفی پرداخته است. در این باره همچنین مؤلفه‌هایی چون خلافت، جهاد و شهادت را شناسایی کرده و آن‌ها را به تفکیک مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که خلافت، اصلی‌ترین مؤلفه فرهنگ سیاسی داعش است. همچنین از نگاه آنان جهاد ابزار تحقق خلافت بوده و به شکل‌های مختلف آن علیه گروه‌های مخالف مسلمان و غیرمسلمان ممکن است به برپایی حکومت اسلامی کمک کند. انجام عملیات تروریستی توسط این گروه، با توجه به نگرش آنان به جهاد و شهادت، اجرای شریعت و تشکیل حکومت اسلامی توجیه می‌شود.

واژگان کلیدی: فرهنگ سیاسی، جریان سلفی تکفیری، داعش، خلافت، جهاد، شهادت.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۸/۱۴

مقدمه

در دو دهه اخیر سلفی‌گری به دلایل چندی رشدی قارچ گونه داشته است و امروزه جهان اسلام شاهد غلبه جریان‌های افراطی برخاسته از موج جدید سلفی‌گری است که از سال ۲۰۰۶ با آغاز فعالیت جبهه النصره و داعش آغاز شده و به سایر کشورها گسترش یافته است. در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه خاورمیانه جریان سلفی تکفیری است. این‌گونه سلفی‌گری علاوه بر آنکه موجب وهن اسلام و آسیب به منافع مسلمانان شده، چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از دین مبین اسلام ارائه کرده است. روند رو به رشد ظهور جریان‌های سلفی تکفیری در سراسر خاورمیانه در سالیان اخیر همگان را متوجه خطر فراگیر آن‌ها کرده است؛ بنابراین، اهمیت شناخت این جریان، به‌ویژه شناخت جایگاه مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی آن را دو چندان کرده، زیرا از طریق شناخت دقیق خطر می‌توان به راه مقابله با آن نیز دست یافت و در این باره لازم است برای مبارزه با این جریان‌ها، ریشه‌های فکری و مبانی رفتار سیاسی این گروه را شناخت.

از جمله مناطقی که امروزه جریان تکفیری به صورت فعال در حوادث سیاسی آن نقش‌آفرینی می‌کند، کشورهای عراق و سوریه است. در این میان، گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شامات (داعش) که جریانی خشونت‌طلب و رادیکال بوده و سودای خلافت در سر دارد، در سوریه و عراق فعال شده و بخش‌هایی از سرزمین این کشورها را تصرف کرده و رهبرشان خود را خلیفه مسلمانان خوانده است. این جریان ریشه گرفته از جبهه النصره است؛ جریانی که از القاعده منشعب شده است. به عبارتی داعش انشعابی از القاعده است. با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش با هدف شناخت، تبیین و توصیف مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری به ویژه داعش، به رشته تحریر در آمده است. همچنین این نوشتار در پی اثبات این فرضیه است که: خلافت، جهاد و شهادت سه مؤلفه اصلی فرهنگ سیاسی جریان سلفی - تکفیری داعش است. به همین منظور، این مقاله بر آن است به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: ۱. مفاهیم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری چیست؟ ۲. جایگاه مؤلفه خلافت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؟ ۳. جایگاه مؤلفه جهاد در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؟ ۴. جایگاه مؤلفه شهادت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؟ همچنین برای پاسخ به این پرسش‌ها از روش تحلیل اسنادی که از انواع روش‌های کیفی است، استفاده شده است. با این روش، اسناد و مدارک موجود شامل کتب، مقالات، سایت‌های مرتبط با موضوع و غیره بررسی شده است.

الف - چهار چوب و مبانی نظری

نخستین پرسش پژوهش این است که «مفاهیم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری چیست؟» در پاسخ به پرسش مذکور ابتدا به تعریف فرهنگ سیاسی و انواع جریان‌های سلفی پرداخته شده و سپس به آرا و افکار نظریه‌پردازان جریان سلفی تکفیری داعش اشاره شده و در انتها نیز مدل مفهومی مقاله ترسیم شده است.

۱- بررسی مفاهیم فرهنگ سیاسی و جریان سلفی تکفیری

واژه فرهنگ سیاسی از جمله اصطلاحاتی است که پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. این واژه نخستین بار توسط گابریل آلموند در علم سیاست به کار رفته است. از نظر وی، هر فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از ایستارها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است. (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷) بدین ترتیب، «در هر نظام سیاسی در باب سیاست، قلمرو ذهنی سامان‌یافته‌ای وجود دارد که به جامعه، ترتیب نهادها و غیره معنی می‌دهد.» به عبارت دیگر، «فرهنگ سیاسی برای افراد، خطوط راهنمای کنترل بر رفتار سیاسی مؤثر و برای اجتماع، ساخت نظام‌یافته‌ای از ارزش‌ها و ملاحظات معقول را فراهم می‌کند.» (پای، ۱۳۷۰: ۳۹) برای فهم جریان داعش، بررسی فرهنگ سیاسی سلفی تکفیری و مؤلفه‌های آن، ضروری به نظر می‌رسد. اصطلاح سلفی بر طیف وسیعی از جریان‌های اسلامی اهل سنت اطلاق می‌شود که منادی بازگشت به شیوه سلف (پیشوایان اهل سنت در قرون نخستین اسلامی) هستند. آنان شیوه سلف را نمایان‌گر اسلام ناب می‌دانند که جامعه باید به آن برگردد تا عظمت خود را بازیابد. (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۵) معنای اصطلاحی سلف در بدعتی ریشه دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم هجری ایجاد کرد. دیدگاه سلفیان درباره سلف موجب شکل‌گیری مذهب جدیدی به نام سلفی‌گری در قرون اخیر شده است. سلفیان جدید عملکرد صحابه را به عنوان منبع تشریح می‌پذیرند. به اعتقاد سلفی‌ها، اندیشه و عمل اسلامی در طول زمان دچار انحراف شده است؛ بنابراین، باید به سرچشمه آن بازگشت. معتقدان به سلف صالح، عقاید خود را به احمد بن حنبل نسبت می‌دهند. (حقیقت، ۱۳۹۳: ۸۵)

هرچند احمد بن حنبل پیشوای عقاید سنتی سلفی بود، اما در اواخر قرن هفتم، احمد بن تیمیه و سپس شاگردان ابن قیم الجوزیه عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی‌تر احیا کردند. پس از وی، سلفی‌گری تا قرن دوازدهم تا حد زیادی به فراموشی سپرده شد. سپس محمد بن عبدالوهاب نجدی با طرح مجدد ادعای بازگشت به اسلام اصیل ظهور کرد و علی‌رغم سرکوب توسط خدیو مصر، بر نجد و حجاز تسلط یافته، دولت سعودی کنونی را تشکیل دادند. البته، در میان وهابیان دو جریان مقابل هم وجود دارد؛ وهابیان درباری که بر مبنای عبدالوهاب باقی مانده‌اند و وهابیت انقلابی یا جهادی که اندیشه و عمل رادیکال دارند. (همان: ۸۵)

باید پیروان سلفیه، از احمد بن حنبل تا محمد بن عبدالوهاب را مربوط به دوران سلفیان قدیم دانست. همچنین تجزیه امپراتوری عثمانی آغازی بر پیدایش زمینه‌های شکل‌گیری سلفیان

جدید است. مهم‌ترین جنبه اجتماعی سلفیه آن است که فقط پیروان خود را قوم برحق دانسته، دیگر گروه‌های مسلمان را گمراه، کافر و مشرک برمی‌شمارند. سلفیان قدیم و جدید در بسیاری از مواضع نظری مشترک‌اند، اما مهم‌ترین وجه تمایز سلفیان جدید، کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه «تکفیر» است. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۶۷)

ظهور گروه‌های سلفی در مصر مربوط به اواخر دهه بیست تا دهه هشتاد میلادی است. هدف عمده این گروه‌ها اصلاح جوامع مسلمان، احیای عظمت مسلمین و اتحاد سرزمین‌های اسلامی و بازگشت به دوره خلافت از طریق تمسک به قدرت و در مواقع لازم تمسک به خشونت و به تعبیر آن‌ها «جهاد» است. بعدها گروه‌هایی ظهور کردند که از اخوان المسلمین جدا شده، رویه خشونت‌آمیز اختیار کردند. آن‌ها متکی بر حربه «تکفیر و جهاد» بوده، پیرو اندیشه‌های اخوان المسلمین بودند. چنانکه ملا عمر «طالبان» را در ۱۹۹۷ و بن لادن و ایمن الظواهری «القاعده» را در سال ۲۰۰۰ بنا کردند. سلفی‌های قدیم و جدید در بسیاری از مواضع نظری مشترک‌اند، اما مهم‌ترین وجه تمایز سلفی‌های جدید، کاربرد خشونت و اعتقاد راسخ به اندیشه «تکفیر» است. (همان: ۱۶۷)

به اعتقاد برخی، القاعده عراق در سال ۲۰۰۴ میلادی توسط چند تن از اسلام‌گرایان تندرو چون ابو مصعب زرقاوی، ابو حمزه المهاجر، ابو عمر بغدادی و ابوبکر بغدادی در شهر بعقوبه عراق و رقه سوریه بنیان گذاشته شد، اما ریشه داعش به نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی بازمی‌گردد؛ داعش از بازماندگان القاعده عراق در سال ۲۰۰۳ تأسیس شده (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۱) و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ سازمان یافته و تا سال ۲۰۱۴ رشد کرده است. داعش ابتدا با ایمن الظواهری بیعت کرد و با جبهه النصره متحد شد، اما در ماه می ۲۰۱۴ از النصره جدا شد و سپس از القاعده نیز فاصله گرفت و در ماه آگوست ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد. داعش و القاعده هر دو با آمریکا و غرب، تشیع و مکاتب اربعه اهل سنت مخالف‌اند، اما برای القاعده هدف، غرب است و درگیری با شیعه در مرحله بعد قرار دارد، درحالی‌که هدف اصلی داعش، تشیع است. آن‌ها به جای آزادسازی قدس به دنبال آزادسازی بغداد و احیای عصر هارون‌الرشید هستند. (همان: ۱۰۱)

گستره فعالیت القاعده بین‌المللی بوده است و در اروپا و آمریکا اقدامات تروریستی انجام می‌دهد، ولی قلمرو فعالیت داعش و تمرکز نیروی آن‌ها در خاورمیانه است. نرم‌افزار اعتقادی که توسط داعش شکل گرفته، فقه التکفیر است. تکفیر هم در شیعه و هم در اهل سنت وجود دارد. به اعتقاد داعش، چون اهل سنت جهاد را تعطیل کرده‌اند، پس کافر هستند و تعطیلی عملی حکم خداوند به معنای انکار آن‌هاست. بر این اساس، تکفیر مسلمانان مهم‌ترین بخش اعتقادی آن‌ها بوده است و در صدد تشکیل یک حکومت اسلامی هستند. (همان: ۱۰۱)

البته باید در نظر داشت که داعش یکی از انشعابات جبهه النصره و آن هم شاخه‌ای از القاعده است؛ لذا برای شناخت داعش باید القاعده را مورد مطالعه و شناخت قرار داد و شناخت القاعده

نیز بدون شناخت جریان سلفیه جهادی ممکن نیست. سلفیه جهادی در دهه هفتاد قرن بیستم در مصر ظهور یافت و با تفسیر خاص از جاهلیت و جهاد، گروه‌های تکفیری متعددی از دل آن بیرون آمدند. (حقیقت، ۱۳۹۳: ۸۵)

۲- انواع جریان‌های سلفی

امروزه سلفی‌ها را می‌توان به چند جریان مختلف تقسیم‌بندی کرد که عبارت‌اند از:
۱-۲. جریان وهابیت تکفیری: این جریان فکری که خاستگاه آن عربستان است، خود را ادامه مکتب اهل حدیث در قرن سوم به رهبری احمد بن حنبل می‌داند. شیوه وی توسط شاگردانش ادامه یافته است تا آنکه ابن تیمیه آن را رواج داد. چند قرن بعد محمد بن عبدالوهاب تلاش کرد با احیای مجدد این عقاید، تعبیری خاص از اسلام ارائه دهد. وی عقاید بسیاری از مسلمانان را انحرافی و آن‌ها را مشرک یا کافر دانست. به همین دلیل ایدئولوژی آن را می‌توان نوعی ایدئولوژی تکفیری نامید. محوری‌ترین بحث عبدالوهاب چگونگی تفسیر از توحید است. وی با محدود کردن دایره توحید، بسیاری از اعمال مسلمانان همچون زیارت قبور، توسل وغیره را مغایر توحید دانسته است و اقدام‌کننده به این امور را کافر یا مشرک برمی‌شمرد. (فوزی، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۷)

۲-۲. سلفی دیوبندی در شبه‌قاره هند: بنیان‌گذاران این جریان، مذهب حنفی و رویکردی حدیث‌گرایانه در هندوستان داشتند. این مدرسه به مکتب وهابیت نزدیک شده است. از تبلیغات مهم آن‌ها، تأکید بر نماز، ریش گذاشتن و عدم توسل به اولیاست. آن‌ها از بی‌احترامی به خلفای سه‌گانه به شدت ناراحت می‌شوند. با وجود مخالفت وهابیت با گرایش تصوف فرقه دیوبندی شبه‌قاره هند، اشتراکات فراوانی در باب توسل و شفاعت میان این دو مکتب وجود دارد. (همان: ۱۲۷-۱۲۸)

۲-۳. جریان سلفی تکفیری-جهادی: ریشه فکری این جریان به طور عمده در مصر است. مهم‌ترین عامل رشد این جریان در اندیشه‌های سید قطب ریشه دارد؛ در واقع، مجموعه آرا و اصول فکری سید قطب پایه‌ای برای تحلیل و اقدام بسیاری از گروه‌های جهادی رادیکال برای تحول در جهان اسلام است (همان: ۱۲۸) که سال‌های بعد توسط افراد وفادار به سید قطب، گسترش یافته است. (محمودیان، ۱۳۹۰: ۳۷) این اندیشه‌ها به نوبه خود با تفسیری خاص و افراطی از حاکمیت خدا و جهاد، زمینه‌ساز رشد گروه‌های رادیکال شد. (فوزی، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۸) همان‌طور که قبلاً ذکر شد، برخی از گروه‌های سلفی جدید نیز در پی اصلاح‌گری بوده، مواضع خشونت‌طلبانه ندارند. به دلیل آنکه تأکید مقاله حاضر بر گروه‌های سلفی تکفیری است، توضیح در مورد گروه‌های میانه‌رو سلفی که به «جریان نوسلفی» و «جریان اصلاح‌طلب عمل‌گرا و میانه‌رو» موسوم هستند، خارج از این مقال است. (همان: ۱۲۹-۱۳۰)

۳- نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری

با توجه به تمرکز مقاله بر شناخت موردی گروه سلفی تکفیری داعش؛ به اختصار به آرا و افکار رهبران فکری تأثیرگذار این گروه اشاره می‌شود.

۳-۱- رهبران فکری تأثیرگذار: رهبران فکری مورد توجه داعش عبارت‌اند از: ابن تیمیه، محمد بن عبدالوهاب، سید قطب، محمد عبدالسلام فرج، سید امام (عبدالقادر عبدالعزیز)، عبدالله عزام، اسامه بن لادن و ابو مصعب الزرقاوی. در مناطق تحت تصرف داعش در سوریه و عراق، عبارتی از ابن تیمیه دیده می‌شود: «قوم الدین بکتاب ینهدی و بسیف ینصر»؛ یعنی پایداری دین به قرآن هدایت‌گر و به شمشیری است که آن دین را یاری می‌کند. داعش برای نشان دادن تفکرات سلفی خود، با استناد به «نواقض الاسلام» محمد بن عبدالوهاب و نصب آن بر در و دیوار مناطق اشغالی، به تخریب قبور اولیای الهی می‌پردازد. آن‌ها در جهاد مسلحانه از سید قطب پیروی کرده، به تأسی از زرقاوی، شیعه را دشمن اصلی خود معرفی می‌کنند. (ابراهیم‌نژاد؛ فرمانیان، ۱۳۹۳: ۱۳)

۳-۱-۱- ابومصعب زرقاوی: به دلیل نقش ابو مصعب زرقاوی در تأسیس القاعده عراق و تأثیر وی بر آرا و افکار داعش، به بررسی شخصیت و آرای وی پرداخته می‌شود. ظهور القاعده عراق را می‌توان در افراط‌گرایی بنیان‌گذار آن، ابو مصعب زرقاوی، پیگیری کرد. (Gambill, 2004: 4) وی از اواسط دهه ۸۰ میلادی تا سال ۱۹۹۸ در زندان بود. (Reidel, 2008: 89-90) زرقاوی در زندان با سلفی‌های جهادی و نخستین بار در افغانستان با رهبران القاعده آشنا شد. (Weaver, 2006: 1) زرقاوی در سال ۱۹۹۵ در صفوف نیروهای جهادی افغانستان حضور داشت و با نیروهای امریکایی در این کشور مبارزه می‌کرد. (حقیقت، ۱۳۹۳: ۸۵)

او همکاری خود را با بزرگان سلفی جهادی، چون شیخ ابو محمد مقدسی، (مربی زرقاوی) برای تأسیس گروهی به نام «بیعت امام» در پیشاور بیشتر کرد و با فعالیت‌هایی که انجام داد افراط‌گرایی خود را عمیق‌تر کرده، تماس‌هایش را با مجاهدین افغانستان گسترش داد. پس از بازگشت از افغانستان به تحکیم تشکیلات گروه جهادی «بیعت امام» پرداخت. در سال ۱۹۹۳ عملیات بمب‌گذاری زرقاوی به شکست انجامید و توسط سازمان امنیت اردن دستگیر شد. (Reidel, 2008: 89-92)

در زندان، ابو محمد مقدسی در نقش رهبر معنوی و زرقاوی در نقش مجری، قادر به گسترش گروه خود (بیعت امام) فراتر از دیوارهای زندان شدند. زرقاوی آمادگی خود را برای تشکیل گروه خطرناک‌تری نشان داد و دیدگاه‌های رادیکالی خود را نسبت به مخالفانش اظهار کرد. قدرت رهبری زرقاوی به سرعت نقش معنوی ابو محمد مقدسی را تحت‌الشعاع قرار داد. این امر باعث شد زرقاوی، مورد توجه اسامه بن لادن در افغانستان قرار گیرد. در ۱۹۹۹ در ملاقاتی که زرقاوی با اسامه بن لادن داشت، حمایت او را جلب کرده، مکانی برای راه‌اندازی اردوگاه آموزشی در هرات به وی واگذار شد. (Weaver, 2006: 1) در اوایل سال ۲۰۰۰،

زرقاوی گروه کوچک خود را به گروه‌های جهادی متحرک تبدیل کرد؛ آن‌ها برای هر نوع عملیات در جهان آماده بودند. با توجه به تماس‌های مکرر زرقاوی با گروه‌های متعدد، به استخدام تکفیری‌های اردنی، فلسطینی و جمعیت‌های اسلامی سوریه ساکن در اروپا اقدام کرد. (Weaver, 2006: 1)

پس از حمله امریکا به افغانستان، زرقاوی به کردستان عراق رفته، به گروه سلفی «انصارالاسلام» ملحق شد. رهبر این گروه با دریافت حمایت مالی فراوان از سوی برخی کشورهای خلیج فارس از اقدامات زرقاوی حمایت کرد. پس از مدتی زرقاوی به رهبری گروه «توحید و جهاد» برگزیده شد. (ابراهیم‌نژاد؛ فرمانیان، ۱۳۹۳: ۱۹) با پیوستن برخی گروه‌های جهادی به زرقاوی و بیعت او با بن لادن، شاخه القاعده در عراق با نام سازمان القاعده فی بلاد الرافدین به طور رسمی تأسیس شد؛ بنابراین، زرقاوی نماینده رسمی بن لادن در عراق شد و عملیات متعدد تروریستی انجام داد. (گزارش رسمی مقابله با تروریسم، ۲۰۰۴: ۹۴-۹۵)

زرقاوی تفاوت معناداری از لحاظ ایدئولوژیکی و شخصی، با اسامه بن لادن در افغانستان داشته است. زرقاوی بیان کرده است که وابستگی وی به القاعده، پس از آن رخ داد که گروه وی در عراق، موقعیت خوبی به دست آورد و از خارج حمایت شد. به همین علت، به خود لقب امیر داد تا موقعیت‌های جداگانه‌ای از رهبر القاعده داشته باشد. همچنین از نامه‌ای که ایمن الظواهری به زرقاوی نوشته، استقلال مالی وی از القاعده تأیید شده است. (ابراهیم‌نژاد؛ فرمانیان، ۱۳۹۳: ۲۸)

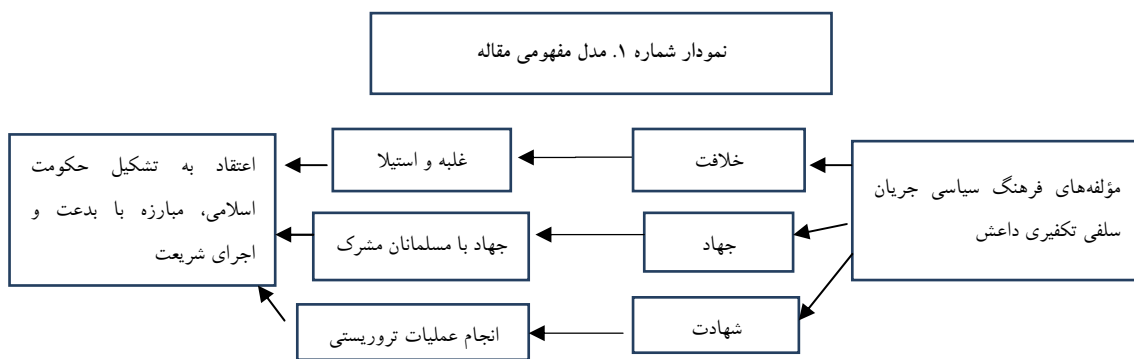
مقدسی طی نامه‌ای در سال ۲۰۰۵ به زرقاوی تذکر می‌دهد که بمب‌گذاری‌های انتحاری در عراق منجر به مرگ بسیاری از عراقی‌ها و شیعیان شده است، زیرا مقدسی عوام شیعه و عوام اهل سنت را در یک مرتبه دانسته، کشتن آن‌ها را جایز نمی‌داند. در پی آن، زرقاوی به مقدسی پاسخ می‌دهد و این عمل مقدسی را حيله دشمنان خدا و ضربه به صفوف مجاهدین می‌نامد و وی را از جدا شدن از صفوف مجاهدین بر حذر می‌دارد. در این نامه، زرقاوی برابری میان عوام شیعه و سنی را ظلم آشکار به اهل سنت قلمداد کرده، بر قتل شیعیان تأکید می‌کند. (Nasrawi, 2005: 2) بر این اساس، می‌توان به آرا و افکار افراطی زرقاوی در ارتباط با دیگر مسلمانان، به‌ویژه برخورد با شیعیان پی برد.

زرقاوی در سال ۲۰۰۶ شورایی را متشکل از شش گروه مسلح تشکیل داد. ریاست شورا را عبدالله رشید البغدادی^۱ بر عهده گرفت و با انتشار بیانیه‌ای به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. مدت کوتاهی بعد، زرقاوی در حمله نیروهای امریکایی در نزدیکی بعقوبه کشته شد. (Filkins, 2006: 1) عبدالله راشد البغدادی در بیانیه‌ای از مسلمانان می‌خواهد که مبارزه را ادامه دهند. او در این بیانیه تأکید می‌کند که «عراق در خط مقدم دفاع از اسلام و مسلمانان است؛ بنابراین، این فرصت را برای پیوستن به مجاهدین و شهدا از دست ندهید.» به دنبال صدور این بیانیه، مجلس شورای مجاهدین با انتشار بیانیه‌ای به طور رسمی تشکیل و موجودیت «دوله

الاسلامیه العراق» را اعلام کرد. این شورا به دلیل ارتباطات قوی بغدادی با زرقاوی و سران سلفیه جهادی در عراق، وی را به ریاست دولت اسلامی عراق گماشت. بعقوبه، محل کشته شدن زرقاوی، نیز به عنوان پایتخت حکومت اعلام شد. (ابراهیم‌نژاد؛ فرمانیان، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۳) بدین ترتیب، تفکر و مشی زرقاوی در دولت اسلامی عراق و سپس دولت اسلامی عراق و شام و به‌ویژه دشمنی با شیعیان پایدار ماند و رهبران این گروه از جمله ابوبکر البغدادی نیز به آن وفادار ماندند.

۴- مدل مفهومی مقاله

بر اساس مطالب مذکور و مطالب تکمیلی که با توجه به مدل مفهومی مقاله در نمودار شماره (۱) ذکر خواهد شد، می‌توان گفت که گروه داعش از جمله گروه‌های سلفی تکفیری - جهادی است؛ بنابراین، بر مؤلفه‌هایی چون خلافت، جهاد و شهادت تأکید دارد. آن‌ها احیای خلافت و اطاعت از خلیفه با وجود جائز بودن آن را مهم می‌شمارند. در بحث جهاد، آنان خود را برحق دانسته، افراد غیرمسلمان را تکفیر می‌کنند. آنان دایره مسلمانی را چنان تنگ کرده‌اند که حتی مسلمانان مخالف با عقاید ایشان (به‌ویژه شیعیان) نیز تکفیر شده، از جمله افرادی هستند که باید با آن‌ها جهاد کرد، اما در باب شهادت، با مبادرت به انجام عملیات انتحاری و تروریستی، به اعتقاد خود با انجام جهاد برای رسیدن به بهشت گام برمی‌دارند. اهمیت مؤلفه‌های ذکر شده آنجا مشخص می‌شود که همه برای حفظ دین، جلوگیری از بدعت و اجرای شریعت انجام می‌پذیرد.



ب. جایگاه مؤلفه خلافت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش

دومین پرسش پژوهش عبارت بود از اینکه «جایگاه مؤلفه خلافت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؟» برای پاسخ به این پرسش ابتدا به بررسی مفهوم خلافت در اعتقاد سلفیان پرداخته شده، سپس مصادیق خلافت در گروه داعش به تفصیل بیان شده است.

۱. مفهوم خلافت: بازگرداندن خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف صالح است. از نظر سلفیان جدید، خلافت موجب حراست از دین و دنیاست. این امر با اصل «الانقلابیه» که به معنی طرد کامل جوامع جاهلی است، تحقق‌یافتنی است. همچنین اصل

الانقلابیه، به معنای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی است؛ بنابراین، همه سازمان‌ها و جوامع ملی و بین‌المللی امروزی به دلیل داشتن مبانی غیراسلامی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و تشریحی، جاهلی به شمار آمده، شایسته طرد تلقی می‌شوند. (عدالت نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۷۵)

در این میان به سه موج خلافت می‌توان اشاره کرد. موج اول دوران حکم‌رانی امویان و عباسیان، عصر خلافت علیا نام دارد. موج دوم خلافت عثمانی که سال‌ها پس از زوال خلافت بغداد محقق شد. موج سوم در قالب جنبش‌های اسلامی بروز کرده است. با انحلال خلافت، نهضت‌های گوناگونی برای احیای آن شکل گرفتند که به طور عمده در حد دغدغه فکری باقی ماندند. ابتدا امیر علی هندی و آقاخان رهبر اسماعیلیان با اولین رئیس‌جمهوری ترکیه دیدار کردند و خواهان احیای خلافت شدند تا مسلمانان از بحران هویت رهایی یابند. اندیشمندان دیگری نیز در کشورهای مصر، بنگلادش، ترکیه و سوریه از برپایی حکومت اسلامی با توجه به احکام و آموزه‌های دینی سخن گفتند. جنبش‌های جدید اسلامی با ملامت استعمار، حکومت‌های استبدادی دست‌نشانده، باستان‌گرا و غرب‌زده، در صدد برآمدن تا آموزه‌های صدر اسلام را احیا کنند. گروه‌های گوناگون سلفی در کشورهای مصر، پاکستان و منطقه شامات این دغدغه را دارند. اینان معتقدند اسلام، راه‌حل و مسئولیت تشکیل خلافت اسلامی است. (نصری، ۱۳۹۳: ۷۲)

۲. مصادیق احیای خلافت توسط داعش: خواندن خطبه در مسجد جامع موصل توسط ابوبکر البغدادی با برخورداری از تحصیلات عالیه و در نتیجه اشراف بر تاریخ فکر در جهان اسلام و بهره‌گیری از قاطعیت و خشونت فراوان برای برقراری خلافت خویش، نشانگر آغاز عصر جدیدی در سیر تاریخ سلفی‌گرایی در تمدن اسلامی است. (زارع، ۱۳۹۳: ۸۱) در این باره می‌توان به ابوبکر بغدادی، سرکرده گروه داعش، در حال سخنرانی روی منبری سنگی در مسجد جامع نورالدین، یکی از مشهورترین اماکن مذهبی شهر موصل اشاره کرد. (نصری، ۱۳۹۳: ۷۲) او در خطبه‌های خود مسلمانان را به تشکیل خلافت اسلامی فراخوانده و از آن‌ها می‌خواهد قیام کنند و به دولت اسلامی عراق و شام بپیوندند. او همچنین بیان می‌کند: «من برای این وظیفه بزرگ و سنگین مورد اعتماد واقع شده‌ام، برای اینکه پیشوا و امام شما باشم. من بهترین در بین شما نیز نیستم. در همین حال اگر شما من را فرد لایق می‌بینید باید به من کمک کنید و اگر مرا لایق نمی‌بینید، باید به من یاری برسانید. تا زمانی که من از خدا اطاعت می‌کنم شما باید از من اطاعت کنید و اگر زمانی من از دستورات خدا سرپیچی کردم شما دیگر نباید از من پیروی کنید.» (سایت بصیرت، ۹ دی ۱۳۹۳)

تفکر داعش و همراهی آن با باور قوم‌گرایانه بعثی و ادعای «خلافت اسلامی» آنان یادآور عهد عباسی به اذهان است. «ابوبکر البغدادی القریشی الحسینی» در روپای رسیدن به دوره جدید از خلافت، آن هم از جنس عباسیان - که اطلاق «بغدادی‌اش» ریشه در آن دارد - تلاش

کرده که از اطلاعات تاریخی خود، زیرکانه بهره جسته، و در رأس سپاه داعش، سپاه جامگان خود را به مانند سپاه سپاه‌پوش ابومسلم خراسانی به پشت باروی بغداد برساند. منطق وی در انتخاب نام «ابوبکر» خلیفه نخست، برای پیوند دادن خود به عهد خلافت نخستین اسلامی نزد اهل سنت و جماعت است. «قریشی» دانستن را با هدف طرح صلاحیت برای تصدی امور حرمین شریفین مورد بهره‌برداری قرار داده است. سرانجام «حسینی» بودن خود را با توجه به تأثیرگذاری بر شیعیان عراق برگزیده است، اما برخی پژوهشگران بر این اعتقادند که وی، نقش عبدالله سفاخ را در شکل‌گیری خلافت عباسی دارد. وی با پوششی چندگانه همه را می‌فریبد تا دوران گذار برای روی کار آمدن خلیفه اصلی را به پایان رساند.

در همین راستا، ساختار تشکیلاتی داعش در زمان ابو عمر البغدادی بنا شده و در زمان ابوبکر البغدادی به علت حضور در سوریه تغییرات جزئی یافته است. تشکیلات داعش به شکل هرمی بنا شده است و خلیفه در رأس آن قرار دارد و به صورت مستقیم بر شوراها و زیر نظر خود اشراف دارد. همچنین داعش سرزمین‌های تحت نفوذ خود را به بخش‌هایی به نام «ولایت» تقسیم کرده است. تاکنون شانزده ولایت در مناطق تحت تصرف آن تشکیل شده است که هشت ولایت در عراق و هشت ولایت در سوریه است. شخص والی در هر ولایت حاکم مطلق است و یک معاون نظامی و یک معاون شرعی دارد. (سایت الاخبار، ۲۸ مهر ۱۳۹۳)

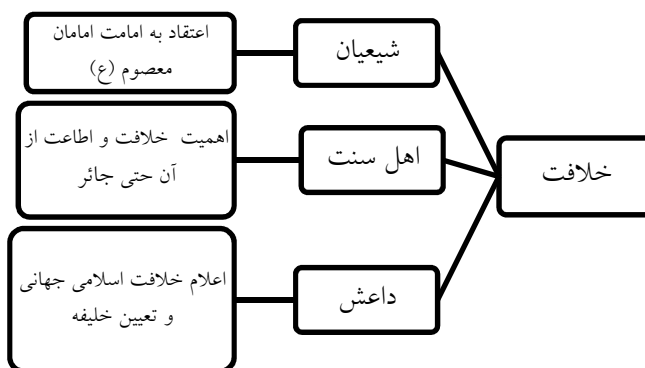
مسئول هیئت شرعی، دولت اسلامی عراق را چنین تشریح می‌کند: «انتشار توحید در زمین و از بین بردن شرک (مثل استغاثه که شرک جلی است)؛ قوانین حکومت مطابق آنچه خداوند متعال نازل کرده (مخالفت با قوانین مجالس شوراها ملی)، اجرای احکام اسلامی با نصب قضات و حاکمان اسلامی، حفظ اصل حکومت اسلامی و دفاع از حریم آن، برپایی حدود، بیرون راندن دشمن، دریافت زکات و غنیمت از دشمنان و صدقه و موارد دیگر از بیت المال، کمک به خانواده‌های شهدا و فقرا و کسانی که به حمایت نیاز دارند.» (سایت شموخ الاسلام، ۲۸ آذر ۱۳۹۳)

از جمله نکات قابل‌توجه در زمینه خلافت داعش، لزوم توجه به این امر است؛ این گروه اهدافی فراتر از عراق و سوریه دارد. شاید یکی از رازهای مهم داعش در به‌کارگیری جنگجویان خارجی از نظر تبلیغاتی، تلاش برای اثبات این نظریه است. گرچه دامنه فعالیت داعش امروزه محدود به خاورمیانه است، ولی این تشکیلات تندرو می‌خواهد به عقاید خود رنگ جهانی بدهد؛ بنابراین، بر اساس این باور نام گروه را «دولت اسلامی» انتخاب کرده است. به همین منظور، ابوبکر البغدادی در سخنرانی خود به مناسبت اعلام خلافت به عمد بر این جنبه تأکید کرد که در «دولت اسلامی» عرب‌ها و غیرعرب‌ها، سفیدپوستان و سیاه‌پوستان، شرقی‌ها و غربی‌ها، همه در کنار همدیگر به صورت برادرانه زندگی خواهند کرد. عراق تنها به عراقی‌ها متعلق نبوده، سوریه نیز تنها متعلق به سوری‌ها نیست. سرزمین از آن خداست و همه در آن حق دارند زندگی کنند. (Bherer, 2014: 174) بدین ترتیب به نظر می‌رسد این جریان سودای جهانی

شدن را در سر می‌پروراند، زیرا از عنوان دولت‌های اسلامی سخن نمی‌گوید، بلکه مدعی برقراری حکومت اسلامی است، اما مشاهده رفتار غیرانسانی و غیراسلامی این گروه با مخالفان خود، نه تنها بیانگر تناقض آنان با ادعاهای مطرح شده است، بلکه موجب وهن اسلام و ضرر به منافع مسلمانان و ارائه چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از اسلام شده است.

زیرا حتی علمای سنی و سلفی دیگر در مخالفت با این گروه علاوه بر آنکه به مسلمانان هشدار می‌دهند که فریب این گروه را نخورند، آنان را خوارج عصر، فریب‌کار، خائن، منحرف، ظالم، قاتل مسلمانان بی‌گناه و تکفیرکننده مسلمین نامیده‌اند و خلافت ابوبکر بغدادی را نیز غیرشرعی و باطل اعلام کردند. (ابراهیم‌نژاد؛ فرمانیان، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۹) در نمودار شماره ۲، جایگاه مؤلفه خلافت و اهمیت آن از دید گروه‌های مختلف به تفکیک مشخص شده است.

نمودار شماره ۲. جایگاه مؤلفه خلافت



ج. جایگاه مؤلفه جهاد در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش

سومین پرسش پژوهش عبارت بود از اینکه «جایگاه مؤلفه جهاد در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؟» در همین زمینه سعی شده است ابتدا با بررسی مختصر مفهوم جهاد و سپس با بیان مصادیق جهاد در گروه داعش، به این پرسش پاسخ داده شود.

۱. مفهوم جهاد: فقه اسلامی، اعم از اهل سنت و شیعه، جهاد را بر دو نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌کند. در دیدگاه سنتی اصل بر جهاد است و منظور جهاد ابتدایی است که به صورت واجب کفایی بر هر مسلمانی واجب است. (البعلی، ۱۹۸۱: ۲۰۹) در دیدگاه اهل سنت، جهاد از وظایف دینی و تعلق‌ناپذیر مسلمانان تا روز قیامت تلقی می‌شود. جهاد ابتدایی در مکاتب فقهی اهل سنت تأکید شده است. فقه شیعه همانند اهل سنت، جهاد ابتدایی را فریضه‌ای از فرایض اسلام و رکنی از ارکان دین و آن را واجب کفایی می‌داند، اما بلافاصله مطرح می‌کند که این جهاد جز به حضور و اذن امام عادل جایز نیست. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۴)

بر همین اساس، گروه‌های سلفی متعدد «جهادی»، «تکفیری» و «سلفی»، با شعار بازگشت به سلف صالح خواهان بازگشت به اصل دین هستند و ابزار و روش آن را «قیام به سیف» یا «جهاد» می‌دانند. (حقیقت، ۱۳۹۳: ۸۵) می‌توان گفت سید قطب متفکر اسلام‌گرای رادیکال مصری بعد از ابو الاعلی مودودی، به طور گسترده واژه جهاد را بررسی کرده، آن را وارد ادبیات گروه‌های نظامی اسلام‌گرا کرد. (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۵: ۱۷۳-۱۷۴)

جهاد در نزد سلفیان جدید ابزار تحقق خلافت است. جهاد ممکن است آشکار یا پنهان، مسلحانه یا غیرمسلحانه به ایجاد حکومت یا خلافت اسلامی کمک کند. جهاد با مفاهیم «قیام»، «اقامه دولت اسلامی»، «دارالاسلام» و «دارالحرب» پیوند دارد. سلفیان جدید جهاد را به هر شکل و وسیله‌ای، جایز می‌دانند. به عبارت دیگر، انجام هر کاری از طرق قانونی و رسمی، یا غیررسمی و مخفیانه که با هدف مقابله با کفر و ایجاد دولت اسلامی باشد، جهاد تلقی می‌شود. (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۰۰)

در جریان‌های سلفی تکفیری علاوه بر استناد به آیات جهاد، به این آیات نیز عمل می‌کنند. این جنبش‌ها وحدت را با خشونت دنبال می‌کنند و با کافر خواندن مسلمانان با آنان درگیر می‌شوند. بدین ترتیب آن‌ها دچار این تناقض می‌شوند که بر وحدت تکیه کرده، اما با مسلمانان دیگر وارد جنگ می‌شوند. (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۱) علی‌رغم اینکه در اسلام، جهاد امری پسندیده و مقبول است، اما خروج از اعتدال و روی آوردن به افراط و تفریط، امری مذموم است. (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۳۱) ابن تیمیه، پدر معنوی همه گروه‌های جهادی، با عقل به کلی مخالف است، مگر اینکه در جهت تأیید نقل و احادیث باشد. او هرگونه تعامل با کفار و مشرکین را حرام دانسته، تفکرات اسلامی شیعیان را نیز مردود و آن‌ها را کافر می‌داند؛ بنابراین، گروه‌های جهادی نیز برپایی حکومت دینی و اجرای شریعت اسلامی را وظیفه شرعی خود می‌دانند. تمام گروه‌ها، جز جهادی‌ها دنبال راه‌های دموکراتیک و دیپلماتیک هستند، درحالی‌که از نظر جهادی‌ها در اوضاع کنونی جهان، تنها راه برپایی اسلام و تشکیل خلافت، جهاد است. (وب سایت اخبار لحظه به لحظه داعش، ۱۸ آذر ۱۳۹۳)

۲. مصادیق جهاد توسط گروه داعش: زرقاوی در اعلامیه‌های خود همواره به فتواهای ابن تیمیه استناد می‌کرد. خلیفه موصل نیز خود را دنباله‌رو ابن تیمیه می‌داند. به همین ترتیب، قلمروگشایی و فتح اراضی از مهم‌ترین مبانی جنگی گروه داعش است. به دلیل آنکه داعش اهمیت ویژه‌ای به فتح مناطق دارای منابع انرژی می‌دهد؛ بنابراین، فتح مناطق نفتی از اولویت‌های این گروه است. این تاکتیک علاوه بر قدرت مالی برای داعش، تضعیف رقبا را نیز به همراه دارد. بغدادی در آغاز رهبری گروه دولت اسلامی عراق، تنها به دنبال کسب قدرت و قلمرو در کشور عراق بود، اما بحران سوریه، توجه بغدادی را به سوی ظرفیت‌های داخل این کشور جذب کرد. این موضوع باعث شد نام گروه خود را به دولت اسلامی عراق و شام تغییر داده، در سوریه نیز مشغول جنگ شود. البته بغدادی فراتر رفته است و خواهان قلمروگشایی در

لبنان، اردن، فلسطین و اسرائیل نیز هست. هر فرد، گروه، سازمان و غیره که داعش را قبول نداشته باشد، از سوی بغدادی به عنوان دشمن معرفی می‌شود. (پورفرد، ۱۳۹۳: ۲۴-۱۴)

ابوبکر بغدادی در خطبه خود، علاوه بر دعوت تمام مسلمانان به تشکیل خلافت اسلامی، از آن‌ها می‌خواهد قیام کنند و به دولت اسلامی عراق و شام بپیوندند. همین طور ماه رمضان را ماه جهاد مسلمانان می‌خواند. «خداوند ما را خلق کرده است تا او را بپرستیم و دینش را تبلیغ کنیم، ما را امر کرده است تا با دشمنانش بجنگیم. برای خدا و برای دین.» او در ادامه می‌افزاید: «مسلمانانی که در این راه تلاش نکنند گناهکار هستند. من برای این وظیفه بزرگ و سنگین مورد اعتماد واقع شده‌ام، برای اینکه پیشوا و امام شما باشم... در همین حال اگر شما من را فرد لایق می‌بینید باید به من کمک کنید ... تا زمانی که من از خدا اطاعت می‌کنم شما باید از من اطاعت کنید.» (سایت بصیرت، ۹ دی ۱۳۹۳)

داعش برای توجیه اشتباهات خود، فضای موجود در عراق و سوریه را به سمت جنگ مذهبی سوق داده است. همچنین از طریق تحریک احساسات جوانان خام و پرشور اهل سنت در منطقه و جهان به امید واهی ورود به بهشت و سعادت اخروی، آنان را به سوی خود و کام مرگ می‌کشاند.

۱-۲. جهاد علیه مسلمانان مشرک و جهاد علیه غیرمسلمانان: ابوعمر البغدادی، با انتشار بیانیه‌ای، عقاید دولت اسلامی عراق را در ۱۹ بند ذکر کرده است. با مطالعه این قوانین می‌توان به ماهیت خوارج گونه آن‌ها پی برد. آن‌ها فقط خود را مسلمان دانسته و دیگران را هر چند مسلمان باشند، با عنوان مرتد و مشرک و کافر می‌شناسند. آن‌ها به سرعت به تکفیر دیگران اقدام نموده و قتل و غارت اموال دیگران را (اگر چه مسلمان باشند) به اندک دلیلی جایز، بلکه واجب می‌دانند. بهانه‌ای مثل کمک به اشغالگران و سکولارها، بهترین حربه آن‌ها برای تسلط بر اموال و نوامیس مردم است. در این رابطه برخی عقاید داعش بر اساس بیانیه‌های خود و دولت اسلامی عراق چنین مطرح شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- اعتقاد به رافضی، مشرک و مرتد بودن شیعیان که از تطبیق بسیاری از شعائر ظاهری امتناع می‌ورزند و کشتن شیعیان را واجب می‌دانند.

- از دیدگاه آن‌ها تکریم و تعظیم پیامبر اکرم واجب و تقدم دیگران بر ایشان حرام است و کسی که ادعا کند به مقام آن جناب شریف و مقام اهل بیت مطهر و اصحاب بزرگ ایشان از خلفا و سایر اصحاب رسیده، کافر و مرتد می‌شود؛ بنابراین، از نگاه آنان، شیعیان و صوفیانی که برای بزرگان خود مقامی همسان، بلکه بالاتر از اصحاب پیامبر قائل‌اند، کافرند.

- از نگاه داعش غرب‌زدگی با تفاوت پرچم‌ها و تنوع گرایش‌های آن مانند ملی‌گرایی و وطن‌پرستی و کمونیستی و بعثی، کفر آشکار و موجب نقض اسلام و خروج از دین می‌شود و تمام کسانی که در فعالیت سیاسی مشارکت داشته باشند، مانند احزاب سیاسی که به دنبال

جایگزین کردن امر دیگری به جای دین خداوند و تسلط دشمنان خداوند از صلیبیان و شیعیان و سایر مرتدین بر بندگان مؤمن خدا هستند، همگی مرتد هستند.

- به نظر آن‌ها تمام کسانی که اشغالگران را به هر نحوی (غذا، لباس، درمان و مانند این‌ها) کمک کنند که باعث تقویت و قدرتشان شود، کافر و مرتدند و خوششان مباح است.

- به اعتقاد داعش جهاد در راه خدا، از زمان سقوط آندلس، برای آزادی شهرهای مسلمان‌نشین، بر تمامی افراد واجب عینی است و بزرگ‌ترین گناه بعد از کفر به خدا، نهی از جهاد در راه خدا به عنوان واجب عینی است.

- به نظر آن‌ها زمانی که در سرزمین مسلمانان غلبه با قوانین کفار و اجرای احکام آن‌ها بوده و احکام اسلام اجرا نشود، این سرزمین حکم سرزمین کفار را دارد و این امر موجب تکفیر ساکنان آن نمی‌شود، بلکه حکم به کفر و ارتداد جمیع حاکمان آن کشورها و ارتش‌های آن‌ها داشته و کشتن آن‌ها را از کشتن اشغالگران صلیبی واجب تر می‌داند. آن‌ها اعتقاد دارند که باید با تمامی قدرت‌هایی که با داعش می‌جنگند، باید جنگید.

- به اعتقاد آن‌ها گروه‌های اهل کتاب و صابئین و مانند این‌ها در دولت اسلام، حکم دشمن را داشته، اهل ذمه شمرده نمی‌شوند و بر این نظرند که چون آن‌ها عهد خود را به شکل‌های گوناگون شکسته‌اند؛ بنابراین، اگر امنیت و امان بخواهند باید پیمان جدیدی با دولت اسلامی ببندند.

- به نظر آن‌ها نجات اسیران زندانی خود و حفظ حریم سلفیان جهادی از دست کافران (شیعیان و حاکمان سکولار) از طریق جنگ واجب است.» (سایت شموخ الاسلام، ۲۸ آذر ۱۳۹۳)

گروه داعش دشمن اول خود را شیعیان می‌داند. سرکردگان آن، کشتن شیعیان را واجب تر از قدس می‌دانند. (سایت شبکه خبر، ۱۹ آذر ۱۳۹۳) همچنین تصریح می‌کنند: «... اعلام می‌کنم و قسم می‌خورم که دین شیعیان بر کفر بنا شده است و شما را از آتش جهنم می‌ترسانم همه شما به آتش داخل خواهید شد و چه بد عاقبتی است و دین شما بر متشابهت در قرآن، و شبهاتی که ساخته و پرداخته ذهن است بنا شده است. (شیعه نیوز، ۱۹ آذر ۱۳۹۳) همچنین داعش، دارای مرکز امنیتی مستقلی به عنوان سازمان اطلاعات است که بر ضد دشمنانش، عملیاتی را انجام می‌دهد. (ابراهیم‌نژاد؛ فرمانیان، ۱۳۹۳: ۵۲)

گرچه داعش خود را گروه جهادی می‌نامد، اما علیه مسلمانان می‌جنگد و جان، مال و نوامیس برادران دینی خود را نشانه رفته است. آیین اسلام که دین گذشت و مهربانی است و با خون‌ریزی و خشونت و همچنین سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و آموزه‌های اصیل اسلامی قرباتی ندارد. در نمودار شماره ۳ جایگاه مؤلفه جهاد و اهمیت آن در میان گروه‌های مختلف به تفکیک ارائه شده است.

نمودار ۳. جایگاه مؤلفه جهاد

جهاد مسلمانان	ابتدایی	دفاعی
شیعیان	با اذن امام معصوم (ع) یا نایب خاص او	تأکید بر جهاد دفاعی
اهل سنت	تأکید بر جهاد ابتدایی	تأکید بر جهاد دفاعی
داعش	اقدام به فتح و گسترش قلمرو	تأکید و اقدام بر جهاد دفاعی، به ویژه کشتار شیعیان

د. جایگاه مؤلفه شهادت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش

چهارمین سؤال پژوهش عبارت بود از اینکه «جایگاه مؤلفه شهادت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؟» برای پاسخگویی به این سؤال سعی شده است تا ابتدا مفهوم شهادت بررسی شود. سپس به تفصیل، مصادیق شهادت در گروه داعش بیان شود.

۱. مفهوم شهادت: شهید در لغت، به معنی گواه، کشته در راه خدا و کسی که چیزی از او پوشیده نیست، آمده است. (فیروزآبادی، بی تا: ۵۸۸) واژه‌های شهید، شاهد، شهادت و مشهود در انسان، بیانگر نوعی خاص از دیانت، رؤیت کردن، حضور و آگاهی یافتن است. (نیشابوری، ۱۳۸۹: ۵۱۷) در اصطلاح، این واژه بر افرادی اطلاق می‌شود که در راه خدمت به دین و دفاع از آن، جان خود را فدا کنند. (طباطبایی یزدی، بی تا: ۳۹) عملیات استشهدادی در معنای عام آن به عملی گفته می‌شود که فرد به قصد قربت، با یقین به کشته شدن، برای ضربه زدن به دشمن و نداشتن راه دیگر، به این عمل مبادرت ورزیده، در این راه کشته می‌شود. این عمل شبیه به انتحار و خودکشی است. (محقق داماد؛ قوزدی، ۱۳۸۹: ۱۹)

انتحار در ادبیات عرب معادل خودکشی است، اما خودکشی منحصر به خود انسان است. امروزه عمل انتحاری به معنی کشتن خود برای قصد خاص است، در این حالت شخص خود را برای از بین بردن هدف یا افراد خاص نابود می‌کند، اما وجه مشترک هر دو، کشتن نفس خود است. امروزه در اصطلاح بین‌المللی، سیاسی و تاکتیک‌های نظامی، عمل انتحاری بدین معنی است که شخص در این عمل برای دستیابی به هدف خاص در مرحله اول خود و در مراحل بعد شخص، اشخاص یا اهداف مادی و معنوی خاصی را از بین می‌برد، یعنی علاوه بر خودکشی بحث دیگرکشی نیز مطرح است. در اینجا معیار، رسیدن به نتیجه خاص و هدف معین است، یعنی فرد، هدف خود را بالاتر از حق حیات خویش و دیگران می‌داند. این اقدام عملیات انتحاری نام دارد. این امر امروزه به طور وسیع در سطح جهان به طور سازمان‌دهی شده یا فراسازمانی با انگیزه‌های گوناگون انجام می‌پذیرد. (همان: ۷-۹) اما مفهوم «عملیات استشهدادی»، در واقع

طلب شهادت و عملی آگاهانه در راه خدمت به دین و دفاع از آن است و با طلب مرگ، بر اساس تعصب کور و اعتقاد جزم‌اندیشانه گروه‌های تکفیری چون داعش، به طور کامل متفاوت است. (پورفرد، ۱۳۸۶: ۲۴-۱۴)

اما واژه عملیات «استشهادی»، در واقع طلب شهادت و عملی آگاهانه در راه خدمت به دین و دفاع از آن است، درحالی‌که طلب شهادت و طلب مرگ، بر اساس تعصب کور، به طور کامل دو بحث متفاوت‌اند، زیرا در طلب شهادت علاوه بر اعتقاد شخصی، تأیید عمل توسط متون دینی معتبر نیز حائز اهمیت است، اما طلب مرگ بر اساس تعصب جزم‌اندیشانه، تنها اعتقاد شخصی را به همراه داشته و تأییدی از قرآن، سیره و سنت رسول‌الله را به همراه ندارد، اما عمل به تعصب‌های جزم‌اندیشانه و کور، کینه نهفته و نادانی نفرت‌انگیز، تاجر و پیروی از اجداد، بی‌بشترانه عقلی، خلاف نص صریح قرآن و سنت رسول‌الله است. (پورفرد، ۱۳۸۶: ۲۴-۱۴)

در میان فقهای معاصر شیعه و سنی در مورد مشروع بودن عملیات شهادت‌طلبانه نظرات مختلفی دیده شده است که با شرایطی، این نوع عملیات را عملیات دشمنان اسلام و اشغالگران سرزمین‌های اسلامی جایز می‌دانند. (محقق داماد؛ قوژدی، ۱۳۸۹: ۲۴) عملیات استشهادی باری مثبت دارد و هرگاه عملیات انتحاری ذیل عنوان جهاد دفاعی و مشروع قرار گیرد، به آن عملیات استشهادی می‌گویند. اختلاف عملیات انتحاری از عملیات استشهادی اینجا مشخص می‌شود؛ در واقع، عملیات انتحاری عنوان عامی است که هرگاه با توجیه دینی همراه شود، نام عملیات استشهادی به خود می‌گیرد؛ بنابراین، منابع شیعه تفاوت‌های بنیادی میان عملیات انتحاری و استشهادی قائل شده و ضمن تحریم ترور و عملیات انتحاری، تفسیر خاصی از ماهیت و حدود عملیات استشهادی ارائه داده‌اند. (پوراابراهیم، ۱۳۹۳: ۳۴-۲۴)

از جمله اقدامات عملیات انتحاری دوران معاصر؛ عملیات انتحاری ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا را می‌توان برشمرد. مشکل عمده این‌گونه عملیات انتحاری، داشتن ماهیت دینی و عقیدتی بر مبنای دستورات دین اسلام است که برنامه‌ریزان این اقدامات به آن داده‌اند؛ بنابراین، انگشت اتهام به سوی مسلمانان و اسلام گرفته شده است. (محقق داماد؛ قوژدی، ۱۳۸۹: ۱۰)

در اسلام، مسیحیت و یهودیت خودکشی گناه نابخشودنی محسوب می‌شود، درحالی‌که تکفیری‌ها خودکشی را برای کشتن دشمنان خدا شهادت می‌دانند. از نظر آن‌ها افرادی که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند شهید هستند و مستقیم وارد بهشت می‌شوند. (محمدی الموتی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶) الظواهری در مورد پیش‌گامی در توقف عملیات نظامی، این سخن را بیان می‌کند که مرگ بهتر از عقب‌نشینی است. وی با یاد کردن از سید قطب به منزله برجسته‌ترین تئوری‌پرداز جنبش‌های بنیادگرا از زبان وی چنین نقل می‌کند: «برادر، به سمت جلو حرکت کن، سرت را به راست یا چپ نچرخان و تنها به بهشت نگاه کن.» (بخشی شیخ احمد، ۱۳۸۵: ۱۸۴) می‌توان گفت داعش در بحث شهادت نیز همانند بحث جهاد، از آموزه‌های دینی مورد تأکید در دین اسلام به عنوان حربه‌ای در جهت جذب جوانان پرشور در نقاط مختلف جهان

استفاده کرده است و آن‌ها را به کام مرگ می‌فرستند. بدین ترتیب، ضمن دستیابی به اهداف شوم خود، از قداست شهادت در جهت موجه نشان دادن خود، بهره می‌برد.

۲. مصادیق شهادت در گروه داعش

۱-۲. انجام عملیات تروریستی: یکی از سیاست‌های ویژه‌ی بغدادی این بود که همه‌ی افراطیون آزادشده از زندان‌ها و نیروهای امریکایی در عراق را به گروه خود پیوند زند. در میان آن‌ها افرادی بودند که از کارشناسان بمب‌گذاری، انفجار و فرمانده جنگ‌های چریکی به شمار می‌آمدند. به این ترتیب، داعش به کانون جنگ و حملات انتحاری علیه امریکا تبدیل شد و صدها عضو از کشورهای دیگر هم به آن پیوسته‌اند. (یورفرد، ۱۳۸۶: ۲۴-۱۴) همچنین گروه داعش موفق شده است از ساختارهایی چون مسجد، محاسن، شعار لاله‌الاله‌الله و امثال آن بهره‌گیری مناسبی برای عضوگیری و بسیج و شارژ روحی هواداران داشته باشد. (نصری، ۱۳۹۳: ۷۳) بدین ترتیب اعضا را برای انجام هر گونه اقدامی از جمله عملیات‌های انتحاری با عنوان شهادت آماده کند. گروه داعش از رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و نقش مهمی که اینترنت در القا، انتخاب و تعلیم شهادت‌طلبی به انسان‌ها دارد، بهره‌گیری می‌کند.

همچنین از این طریق به افراد آموزش می‌دهد؛ برای مقابله با موضوع نسل‌کشی، اشغالگری، صهیونیسم و امپریالیسم بین‌المللی، بهترین راه عملیات انتحاری و قربانی کردن خود، برای رضای امت مسلمان و تقویت قدرت اسلام است. (Moghadam, 2011: 33-35) علاوه بر استفاده از رسانه‌ها، عمل‌گرا بودن این گروه موجب شده، افراد از کشورها و ملیت‌های مختلف به این گروه بپیوندند. این افراد با پیوستن به این گروه همانند سایر اعضا اقدام به عملیات انتحاری می‌کنند.

در همین زمینه بیان شده، گروه داعش در مقایسه با دیگر گروه‌های تندرو مانند القاعده و طالبان بیشتر از نیروهای خارجی استفاده می‌کند. اغلب جنگجویان القاعده از کشورهای عربی بودند. بیشتر نیروهای طالبان از مناطق اطراف افغانستان بوده و از طریق جذب دانش‌آموزان مدارس دینی یا از یارگیری در اردوگاه‌های پناهندگان به این گروه پیوسته بودند، اما داعش بیش‌ترین نیروی خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی و دیگر رسانه‌های اینترنتی جذب می‌کند.

(Bherer, 2014: 174)

همچنین تروریست‌های خارجی علاوه بر داشتن تخصص‌های لازم، برای انجام عملیات انتحاری نیز مناسب تر به نظر می‌رسند، زیرا این افراد با انگیزه‌های عقیدتی به داعش ملحق می‌شوند؛ بنابراین، قانع کردن آن‌ها برای انجام عملیات انتحاری آسان‌تر خواهد بود. طبق تحقیقات و بررسی‌ها، مشاهده شده است افراد خارجی نسبت به تروریست‌های سوری یا عراقی در انجام عملیات انتحاری شوق بیشتری از خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر تروریستی که از طریق گروه‌های تندرو به اسلام ایمان آورده، می‌خواهد با انجام یک عملیات

انتحاری «ایمان راسخ» خود را آشکار کند و با مرگ خود آن را به نمایش می‌گذارد. (Bherer, 2014: 174)

همچنین جذب نیروهای خارجی و برجسته کردن نقش آن‌ها در تشکیلات نظامی از سوی داعش، جنبه تبلیغاتی نیز به همراه دارد. این گروه در صدد است به جهانیان این پیام را برساند که نه تنها در منطقه مورد حمایت است، بلکه از پشتیبانی جهانی توده‌های مسلمان نیز برخوردار است. این تبلیغات به صورت آشکار در فیلم‌های این گروه در شبکه‌های اجتماعی مشخص است. رهبران داعش بر این باورند که هرچه بیشتر در شبکه‌های اجتماعی فعالیت کنند، نیروی بیشتری جذب خواهند کرد. (Bherer, 2014: 174) علاوه بر آن، این امر را می‌توان در راستای اهداف داعش در برقراری حکومت اسلامی جهانی نسبت داد.

علاوه بر آن، به طور کلی وهابیون بر این اعتقادند که با کشتن هفت شیعه به بهشت می‌روند و شام را با پیامبر(ص) می‌خورند، حتی آن‌ها به افرادی که به وسیله عملیات های انتحاری اقدام به کشتن شیعیان می‌کنند، توصیه می‌کنند حتماً با خود یک قاشق ببرید. (سایت محاکمه، ۲۸ آذر ۱۳۹۳) بدین ترتیب افراد خود را با چنین وعده‌هایی تشویق به انجام عملیات انتحاری می‌کنند. همان‌طور که ذکر شد، داعش دشمن درجه اول خود را شیعیان می‌داند. در همین راستا این گروه برای نابودی شیعیان عزم راسخ دارد، چنانکه در بیانیه سخنگوی رسمی داعش آمده است: «امریکا منطقه خاورمیانه را به ما (داعش) سپرده تا نقشه جهان را بر اساس خلافت اسلامی رسم کنیم، بدانید که ما نقشه جدید جهان را با نوک شمشیرهایمان رسم می‌کنیم.» وی در ادامه با اشاره به شیعیان افزوده که «شیعیان را باید کشت آنها به... توسل می‌جویند، آنها مشرک‌اند وارد خانه‌های آنها شوید و مثل گوسفند سرهای آنها را از تن نجسشان جدا کنید. کشتن آنها برای شما مثل کشتن مگس باشد، جنگ امروز جنگ بین همه شیعیان و همه سنی‌هاست.» (القدس العربی، ۲۰۱۴: ۱)

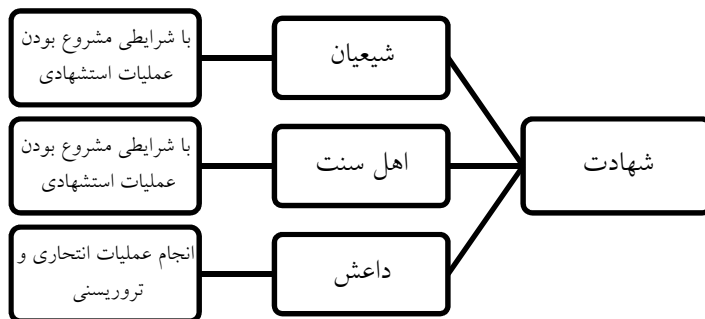
در این راستا، داعش علاوه بر استفاده از گروه‌های مختلف در زمینه انجام عملیات خود در مناطق تحت تصرف خود در عراق و سوریه مراکز مختلفی را برای آموزش ایدئولوژیک کودکان راه انداخته است. بدین ترتیب که پس از تصرف منطقه کودکان را از مدارس ربوده و طبق اصول نظری و عملی خود تحت آموزش قرار داده، با کاشتن بذر نفرت از افکار مذهبی آنان سوءاستفاده می‌کنند. آن‌ها تلاش دارند از این طریق نسل جدید خود را برای فعالیت‌های تروریستی پرورش دهند. در این مراکز علاوه بر آموزش استفاده از سلاح، این عقیده در ذهن کودکان پرورش می‌یابد که باید به جنگ با شیعیان و همه افراد دیگر جز کسانی که با خلیفه بیعت کرده‌اند بروند. هدف از تکرار این عقاید برای کودکان، ایجاد نفرت از شیعیان است. داعش کودکان را مجبور می‌کند با کشتار و سر بریدن دشمنان، شجاعت خود را ثابت کنند. (همشهری، ۱۳۹۳: ۲۲) بدین ترتیب داعش با توجه به شست‌وشوی مغزی علاوه بر تربیت نسلی از افراطی‌های کم‌سن و سال آمادگی برای عملیات انتحاری و فدا شدن به شیوه مورد نظر خود را

در بین این نسل بر اساس برداشت‌های غلط از اسلام رواج می‌دهد. با توجه به آموزش‌های جزم‌اندیشانه این تصور در پیروان تقویت می‌شود که مرگ راهی به سوی بهشت است و بر اساس چنین برداشت اشتباه فرهنگ کشته شدن در راه آرمان‌های خود را به بهای رسیدن به بهشت جاودان گسترش می‌دهند.

با توجه به منابع فقه شیعی عملیات استشهادی ذیل جهاد دفاعی قرار می‌گیرد. جهاد دفاعی نیز در صورتی امکان‌پذیر است که اساس اسلام و جامعه اسلامی مورد تهدید قرار گرفته باشد. جهاد دفاعی دارای شرایطی بوده و حتی در مواردی منع و تحریم شده است. همچنین غیر از وضعیت دفاعی هر گونه تعرض به غیرمسلمانان تحریم شده است. ضمن آنکه در تفکر شیعی خودکشی به طور مطلق حرام و توسل به ترور نیز تحریم شده و روایات متعددی در این باب نقل شده است. علاوه بر آن، حتی بر منع عهدشکنی نیز در استراتژی دفاعی حکم داده‌اند. دلایل این همه منع وجود قبیح ذاتی و ضرر به حیثیت اسلام و جامعه اسلامی است. (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۱۵-۱۲۰)

درحالی‌که با توجه به آموزه‌های اصیل اسلامی، رفتار تروریستی داعش به عنوان شهادت برای حفظ اسلام در برخورد با مخالفان خود ادعایی بیش نیست. در نمودار شماره ۴ جایگاه و اهمیت مؤلفه شهادت در نزد گروه‌های مختلف به تفکیک آمده است.

نمودار شماره ۴. جایگاه مؤلفه شهادت



نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف شناخت مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری با تأکید بر گروه داعش در پی پاسخ به چهار پرسش بود. در پاسخ به پرسش اول که مفاهیم و مبانی نظری فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری چیست، بیان شد به دلیل آنکه داعش یکی از انشعابات جبهه النصره و آن هم شاخه‌ای از القاعده است؛ بنابراین، برای شناخت داعش باید القاعده را

شناخت و شناخت القاعده بدون شناخت جریان سلفیه جهادی ممکن نیست. جریان سلفی به عنوان یک جریان فکری اسلامی سنی دارای دسته‌بندی متنوعی است که بخشی از این جریان را مسلمانان تندرو که عقاید و باورهایی انحرافی از اسلام دارند، تشکیل می‌دهد. بر اساس دسته‌بندی ارائه‌شده، گروه داعش از جمله گروه‌های سلفی تکفیری-جهادی محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت شناخت مبانی رفتار سیاسی این جریان، نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش مورد بررسی قرار گرفت و در این باره به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری آنرا و افکار ابو مصعب زرقاوی بر گروه داعش، نکاتی پیرامون شخصیت و برخی آرای وی مطرح شد.

در پاسخ به پرسش دوم که جایگاه مؤلفه خلافت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؛ بیان شد که خلافت از نظر سلفی‌های تکفیری موجب حراست دین و دنیا و اجرای شریعت است و به اعتقاد آن‌ها این امر با اصل «الانقلابیه» تحقق‌یافتنی است. در بحث مصادیق خلافت توسط داعش، با اشاره به خطبه ابوبکر البغدادی، می‌توان گفت عصر جدیدی در سیر تاریخ سلفی‌گرایی آغاز شده است، به گونه‌ای که این گروه ادعای برقراری خلافت اسلامی دارد و همه مسلمانان را به اطاعت و بیعت از خلیفه فرامی‌خواند.

در پاسخ به پرسش سوم که جایگاه مؤلفه جهاد در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؛ ابتدا مفهوم جهاد از دیدگاه اهل سنت و شیعه بررسی شد. بر این اساس جهاد به دو نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم شده است. بر خلاف شیعه، در دیدگاه اهل سنت، جهاد ابتدایی مورد تأکید قرار گرفته است. سلفی‌های جهادی-تکفیری نیز که خواهان بازگشت به اصل دین و سلف صالح هستند، ابزار دستیابی به آن را جهاد می‌دانند. ضمن بیان مصادیقی از جهاد توسط گروه داعش، اشاره شد که قلمروگشایی از مهم‌ترین مبانی جنگی مورد توجه گروه داعش است. در این باره گروه داعش به مناطقی که دارای منابع انرژی است، توجه ویژه دارد. آنان ماه رمضان را ماه جهاد مسلمانان و شیعیان را دشمن اول خود می‌دانند و جهاد با شیعیان از نظر آن‌ها واجب است.

در پاسخ به پرسش چهارم که جایگاه مؤلفه شهادت در فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری داعش چیست؛ به اختصار تعریف لغوی شهادت، عملیات استشهادی و عملیات انتحاری و تفاوت میان آن‌ها بیان شد. در همین زمینه انجام عملیات تروریستی از مصادیق شهادت در گروه داعش عنوان شد. در همین باره به چگونگی عضوگیری از افراد کشورهای مختلف و حتی استفاده از کودکان برای انجام عملیات انتحاری سخن به میان آمد. داعش در این زمینه بیش‌ترین بهره را از طریق شبکه‌های اجتماعی برای جذب نیرو برده است. بر اساس برداشت انحرافی از اسلام، اعضای داعش به ظاهر با هدف کسب رضای امت اسلامی، تقویت قدرت اسلام، آشکار کردن ایمان راسخ خود و با وعده رسیدن به بهشت دست به عملیات انتحاری می‌زنند.

با توجه به مبانی فکری و مؤلفه‌های رفتار سیاسی گروه سلفی تکفیری داعش، برای مقابله با این جریان خطرناک قبل از مبارزه میدانی و جنگ سخت، باید به جنگ اعتقادی و نرم علیه این جریان پرداخت تا بتوان از گسترش و نفوذ آن در منطقه جلوگیری کرد. این امر نیز جز با شناخت و معرفی انحرافات فکری و اعتقادی این جریان از یک سو و همچنین تلاش برای معرفی تعالیم و آموزه‌های اصیل اسلامی از سوی دیگر، امکان‌پذیر نیست.

یادداشت‌ها

۱- به اعتقاد برخی کارشناسان، عبدالله رشید البغدادی همان ابو عمر البغدادی است.

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

۱. آلموند، گابریل؛ پاول، بینگهام، (۱۳۷۰)، «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی اقتصادی، تهران، بهمن و اسفند، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴، صص ۲۲-۳۱.
۲. ابراهیم‌نژاد، محمد؛ فرمانیان، مهدی، (۱۳۹۳)، دولت اسلامی عراق و شام: بررسی و تحلیل تاریخ و افکار، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل بیت (ع).
۳. بخشی شیخ احمد، مهدی، (۱۳۸۵)، «جهاد از ابن تیمیه تا بن لادن»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، دانشگاه باقرالعلوم، سال ۹، تابستان، شماره ۳۴، صص ۱۶۹-۱۹۴.
۴. البعلی، ابو عبدالله محمد بن ابی‌الفتح الحنبلی، (۱۹۸۱)، المطلع علی ابواب الفقه-المطلع علی ابواب المقنع، تحقیق محمد بشیر الادلیلی، بیروت: دارالنشر المکتب الاسلامی.
۵. بی نام، (۲۰۱۴)، «بیانیه سخنگوی رسمی داعش»، القدس العربی، لندن، پنجشنبه ۳ آوریل، سال ۲۶، ص ۱.
۶. بی نام، (۱۳۹۳)، «کودکان سوریه و عراق؛ طعمه مرگ داعش»، همشهری، تهران، سال ۲۳، شماره ۶۴۳۳، دوشنبه ۸ دی، ص ۲۲.
۷. بی نام، (۱۸ آذر ۱۳۹۳)، «معرفی داعش» www.daesh.ir
۸. بی نام، (۱۹ آذر ۱۳۹۳)، «مصاحبه با ابوعلی چچنی»، www.iribnews.ir.
۹. بی نام، (۲۸ آذر ۱۳۹۳)، «از بمب انتحاری تا شیعه شدن»، www.mohakeme.com.
۱۰. بی نام، (۲۸ آذر ۱۳۹۳)، «اعلام الانام بمیلاد دوله الاسلام»، مؤسسه الفرقان، www.shamikh1.info/vb.
۱۱. بی نام، (۲۸ آذر ۱۳۹۳)، «شیعیان همگی کافر و اهل جهنم هستند»، www.shia-news.com.
۱۲. بی نام، (۲۸ مهر ۱۳۹۳)، «ساختار تشکیلاتی داعش»، www.al-akhbar.com.

۱۳. پای، لوسین، (۱۳۷۰)، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، تهران، شماره ۵ و ۶، صص ۳۷-۴۷.
۱۴. یورابراهیم، محمدصادق، (۱۳۹۳)، «حکم فقهی عملیات استشهادی در فقه امامیه»، مشکات معرفت، تهران، حوزه علمیه تهران، سال ۱، پیش‌شماره، صص ۲۴-۳۵.
۱۵. پورفرد، مسعود، (۱۳۸۶)، «جهان اسلام و رادیکالیزم افراطی»، پگاه حوزه، قم، سال ۸، شماره ۲۰۴، صص ۱۴-۲۴.
۱۶. یویا، سید جعفری، (۱۳۹۳)، «داعش، پایه تتوریک ندارد»، گفت‌وگو با مصطفی بروجردی، مهرنامه، تهران، سال ۵، شماره ۳۷، صص ۷۴-۷۶.
۱۷. حسن خدادی، (۱۸ آذر ۱۳۹۳)، «اهداف پشت پرده اعلام خلافت ابوبکر بغدادی»، www.Basirat.ir
۱۸. حقیقت، سید صادق، (۱۳۹۳)، «آیا همه سلفی‌گرایان نقل‌گرا هستند؟»، مهرنامه، تهران، سال ۵، شماره ۳۷، ص ۸۵.
۱۹. زارع، حامد، (۱۳۹۳)، «از شریعت‌نامه‌نویسی تا برپایی دولت شرعی»، مهرنامه، تهران، سال ۵، شماره ۳۷، صص ۸۰-۸۱.
۲۰. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، (بی‌تا)، العروه الوثقی، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۲۱. عباس زاده فتح آبادی، مهدی، (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، فصلنامه سیاست، تهران، دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۱۲۸-۱۰۹.
۲۲. عدالت نژاد، سعید، (۱۳۹۳)، «درباره وجوه تشابه و تفاوت سلفی‌گرایی کلاسیک و نوسلفی‌گرایی»، مهرنامه، تهران، سال ۵، شماره ۳۷، صص ۹۹-۱۰۰.
۲۳. عدالت‌نژاد، سعید، (۱۳۹۰)، «سلفیان تکفیری یا الجهادیون». تاریخ و تمدن اسلامی، قم، شماره ۱۳، صص ۱۶۵-۱۹۸.
۲۴. فوزی، یحیی، (۱۳۹۲)، «جریان‌شناسی فکری جنبش بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، قم، سال ۱۰، شماره ۳۳، صص ۱۲۳-۱۴۰.
۲۵. فیرحی، داوود، (۱۳۸۳)، «دفاع شروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شعه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، قم، شماره ۶، ۱۲۶-۱۰۹.
۲۶. فیرحی، داوود، (۱۳۸۷)، «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی»، فصلنامه سیاست، تهران، دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۹.
۲۷. فیروزآبادی، محمد، بی‌تا، القاموس المحيط، ج ۱، بیروت: داراحیاء التراث العربی
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی؛ قوژدی، شیما، (۱۳۸۹)، «بررسی فقهی حقوقی عملیات استشهادی و عملیات انتحاری»، نامه الهیات، قم، شماره ۱۲، صص ۵-۲۶.
۲۹. محمودیان، محمد، (۱۳۹۰)، بنیادهای فکری القاعده، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

۳۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲)، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر. قم: انتشارات اسلامی، چاپ دهم.

۳۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۱، چاپ سیزدهم.

۳۲. نصری، قدیر، (۱۳۹۳)، «موج سوم خلافت‌خواهی»، مهرنامه، تهران، سال ۵، شماره ۳۷، صص ۷۲-۷۳.

۳۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، (۱۳۸۹)، صحیح مسلم، مترجم عبدالقادر ترشایی، زاهدان: حرمین.

ب- منابع انگلیسی

34. Moghadam, Assaf. (2011). *The Globalizaotin Of Martyrdom: Al Qaeda, Salafi Jihad, And The Diffusion Of Suicide Attack*. Maryland: The Johns Hopkins University.
35. Bherer, M-Olivier. (2014). "Daech est plus novateur que Al-Qaida pour son recrutement" *LE MONDE* . 8 décembre .
36. Filkins, Dexter. (2006). "U.S. Says Zarqawi Survived Briefly After Airstrike". *New York Times*, June 10.
37. Gambill, Gary. (2004). "Abu Musab al-Zarqawi: A Biographical Sketch," *Jamestown Terrorism Monitor* 2. Issue 24. December 15.
38. Nasrawi, Salah. (2005). "Al-Zarqawi Blasts His Mentor for Urging Restraint in Attacks on Civilians, Shiits in Iraq". *Associated Press*, July 12.
39. Reidel, Bruce. (2008). *The search for Al Qaeda: Its Leadership, Ideology, and Future* (Washington, D.C.: Brookings Institution).
40. US Department of State, Office of the Coordinator for Counterterrorism, *Country Reports on Terrorism. (2005&2006)*. Department of State Publication 11248. April.
41. Weavaer, Mary Anne. (2006). "The Short, Violent Life of Abu Musab al-Zarqawi". *Atlantic*. July/August.